



The Role of the International Criminal Court in Realizing the Right to Health through Prosecuting Ecocide

Askar Jalalian¹, Zohreh Bagheri Khorramdashti^{2*}

1. Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Department of Law, Payame Noor University, Graduate Center, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Ecocide, as a threat to international peace and security, is inextricably linked to the right to health. The deliberate destruction of the environment not only endangers natural life but also poses serious risks to the physical and mental health of human beings. Despite its current limitations, the International Criminal Court (ICC) has the potential to become a key institution in confronting this crime. This article focuses on the ICC's role in protecting the right to health through the prosecution of ecocide and seeks to answer how the Court can, either by using its existing jurisdiction or through the independent criminalization of ecocide, become an effective tool in this regard.

Method: This study adopts a documentary and descriptive-analytical approach. It examines the capacities of the Rome Statute, the Court's jurisprudence and key concepts in international crimes related to environmental destruction.

Ethical Considerations: Throughout the writing of this article, academic integrity, proper citation of sources and avoidance of data distortion have been fully observed.

Results: The ICC, with its jurisdiction over international crimes, can play a key role in addressing the ecocide crisis. By analyzing two main axes - "legal framework" and "practical examples" - this article assesses the feasibility of prosecuting ecocide within the framework of international criminal law.

Conclusion: Given the intrinsic connection between environmental destruction and the right to health, the ICC can play a significant role in responding to ecocide. Although ecocide is not independently criminalized under the Rome Statute, a broad interpretation of concepts such as "inhumane acts" (in crimes against humanity) or "destruction of a group" (in genocide) may allow for the prosecution of certain severe cases of ecocide. Existing capacities, though limited, can provide a foundation for effective protection of the right to health at the global level.

Keywords: International Criminal Court; Right to Health; Ecocide; Crimes Against Humanity; Environment; Genocide

Corresponding Author: Zohreh Bagheri Khorramdashti; **Email:** zohreh.bagheriiii@gmail.com

Received: May 15, 2025; **Accepted:** September 03, 2025; **Published Online:** May 18, 2026

Please cite this article as:

Jalalian A, Bagheri Khorramdashti Z. The Role of the International Criminal Court in Realizing the Right to Health through Prosecuting Ecocide. *Medical Law Journal*. 2026; 20: e7.



نقش دیوان بین‌المللی کیفری در تحقق حق بر سلامت از طریق تعقیب اکوساید

عسکر جلالیان^۱، زهره باقری خرم‌دشتی^{۲*}

۱. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، مرکز تحصیلات تکمیلی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اکوساید به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، پیوندی ناگسستنی با حق بر سلامت دارد. نابودی عمدی محیط زیست نه تنها حیات طبیعی را تهدید می‌کند، بلکه سلامت جسمی و روانی انسان‌ها را نیز به خطر می‌اندازد. دیوان بین‌المللی کیفری، با وجود محدودیت‌های فعلی، پتانسیل آن را دارد که به نهادی کلیدی در مقابله با این جنایت تبدیل شود. این مقاله با تمرکز بر نقش دیوان در حمایت از حق بر سلامت از طریق پیگرد اکوساید، می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که دیوان چگونه می‌تواند با بهره‌گیری از صلاحیت‌های موجود یا از طریق جرم‌انگاری مستقل اکوساید، به ابزاری مؤثر در این زمینه تبدیل شود.

روش: روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر تحلیل اسنادی و رویکرد توصیفی - تحلیلی است. ظرفیت‌های موجود در اساسنامه رم، رویه‌های قضایی دیوان و مفاهیم کلیدی در جرائم بین‌المللی مرتبط با تخریب محیط زیست بررسی شده‌اند.

ملاحظات اخلاقی: در تمامی مراحل نگارش مقاله، اصول صداقت علمی، رعایت امانتداری در استناد به منابع و پرهیز از تحریف اطلاعات رعایت شده است.

یافته‌ها: دیوان بین‌المللی کیفری با صلاحیت رسیدگی به جنایات بین‌المللی می‌تواند نقشی کلیدی در پاسخگویی به بحران اکوساید ایفا کند. این مقاله با تحلیل دو محور اصلی «چهارچوب حقوقی» و «نمونه‌های عملی»، امکان‌سنجی پیگرد اکوساید در بستر حقوق کیفری بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری: با توجه به پیوند اساسی میان تخریب محیط زیست و حق بر سلامت، دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند نقش مهمی در پاسخ به بحران اکوساید ایفا کند، هرچند اکوساید به طور مستقل در اساسنامه رم جرم‌انگاری نشده، اما تفسیر موسع مفاهیمی، همچون «شرایط غیر انسانی» در جنایت علیه بشریت یا «نابودی جمعی» در نسل‌کشی، امکان پیگرد برخی مصادیق شدید اکوساید را فراهم می‌سازد. ظرفیت‌های موجود در دیوان، هرچند محدود، می‌تواند زمینه‌ساز حمایت مؤثر از حق بر سلامت در سطح جهانی باشد.

واژگان کلیدی: دیوان بین‌المللی کیفری؛ حق بر سلامت؛ اکوساید؛ جنایت علیه بشریت؛ محیط زیست؛ نسل‌کشی

نویسنده مسئول: زهره باقری خرم‌دشتی؛ پست الکترونیک: zohreh.bagheriiii@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۲۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Jalalian A, Bagheri Khorramdashti Z. The Role of the International Criminal Court in Realizing the Right to Health through Prosecuting Ecocide. Medical Law Journal. 2026; 20: e7.

مقدمه

حق بر سلامت به عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان حقوق بشر، شرط ضروری برای زندگی شرافتمندانه و دسترسی به بالاترین استانداردهای سلامت جسمی و روانی است. این حق در اسناد بین‌المللی متعددی به رسمیت شناخته شده و تکامل یافته است؛ اولین بار در اساسنامه سازمان بهداشت جهانی (WHO: World Health Organization)، در سال ۱۹۴۶ عنوان شد. همچنین در دیگر اسناد بین‌المللی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR: Universal Declaration of Human Rights)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR: International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights)، کنوانسیون بین‌المللی حذف همه اشکال تبعیض نژادی (ICERD: International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination)، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW: Convention on the Eliminate All Forms of Discrimination against Women)، کنوانسیون حقوق کودک (CRC: Convention on the Rights of the Child)، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (CRPD: Convention on the Rights of Persons with Disabilities) نیز این حق به رسمیت شناخته شده است.

حق برخورداری از محیط زیست سالم توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده است. همچنین بخشی از اکثر اسناد حقوق بشری منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد، از جمله منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (۱)، منشور عربی حقوق بشر (۲)، پروتکل سن‌سالوادور الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۳)، اعلامیه حقوق بشر آسه‌آن (اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا) (۴) و همچنین در قوانین اساسی یا مقررات ملی بیش از ۱۲۵ کشور به رسمیت شناخته شده است (۵).

در ژوئن ۲۰۲۱، هیأتی متشکل از کارشناسان مستقل با ارائه پیش‌نویس متنی برای جرم «زیست‌بوم‌کشی» و پیشنهاد الحاق آن جرم در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری در کنار

سایر جرائم سنگین، گام بزرگی در این راستا برداشتند، مانند نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و تجاوز (۶). علیرغم اهمیتی که جامعه بین‌المللی برای محیط زیست طبیعی قائل است و تلاش‌های حقوقی برای حفاظت از آن، آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های انسانی به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است. این آسیب‌ها تهدیدی مستقیم و قریب‌الوقوع برای زندگی انسان‌ها و دیگر گونه‌های زیستی محسوب می‌شود (۷)، چراکه محیط زیست طبیعی بستر اساسی حیات است. این آسیب‌ها همچنین با تشدید تغییرات آب و هوایی، به صورت غیر مستقیم حیات را به خطر می‌اندازد، اگرچه اساسنامه رم عمدتاً انسان‌محور (Anthropocentric) است و در درجه اول از زندگی انسان‌ها محافظت می‌کند، اما ارزش ذاتی محیط زیست طبیعی را نیز به رسمیت می‌شناسد و از آن حفاظت می‌نماید. نابودسازی، تخریب یا تغییر محیط زیست طبیعی اغلب به طور مستقیم بر انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، از جمله موجب آوارگی افراد، واردآوردن رنج شدید یا آسیب جسمی به قربانیان یا حتی مرگ می‌شود. اگر رابطه سببی مستقیمی بین اقدامات مرتکب و چنین پیامدهایی اثبات شود، این اعمال ممکن است در چهارچوب جرائم اساسنامه رم، چه در زمان درگیری‌های مسلحانه و چه در دوران صلح، جرم محسوب گردند (۸).

دیوان تاکنون به دلیل بی‌میلی خود در رسیدگی به جرائم بزرگ محیط زیستی و فرهنگی که اغلب در زمان غیر از جنگ اتفاق می‌افتد، مورد انتقاد قرار گرفته است، لذا مدام در اندیشه تیرئه خود بوده و تلاش کرده برای این خلأ تدبیری اندیشه نماید (۹).

در یک تغییر در کانون تلاش‌هایش، دیوان در سپتامبر ۲۰۱۶ اعلام داشت که جرائمی را که منجر به «تخریب محیط زیست»، «استثمار منابع طبیعی» و «تصرف غیر قانونی زمین» گردند، در اولویت قرار می‌دهد. این اعلام دربردارنده ارجاع صریحی به زمین‌خواری نیز بود. با آنکه دیوان به طور رسمی صلاحیت خود را گسترش نداده است، اما بیان داشت که جرائم جدید را مانند جرائم علیه بشریت، در بستر و زمینه گسترده‌تری ارزیابی، تفسیر و تعقیب خواهد کرد (۹)، (اگرچه

بهره‌برداری غیر قانونی از منابع طبیعی و سلب مالکیت غیر قانونی از زمین‌ها لزوماً موجب آسیب زیست‌محیطی نمی‌شوند، اما در عمل اغلب چنین تأثیری دارند (۱۰). در این راستا، دفتر دادستان کل عزم خود را جزم کرد تا در چهارچوب صلاحیت و اختیارات قانونی خود، به شکل فعالانه به تلاش‌های هماهنگ بشریت برای پیشگیری از جرائم آتی مرتبط با آسیب‌های زیست‌محیطی یاری برساند و برای اطمینان از اینکه نیاز فوری بشریت به حفاظت از محیط زیست در تمامی تحقیقات و پرونده‌های دیوان بازتاب یابد، پیش‌نویس سند سیاست خود در خصوص جرائم زیست‌محیطی را منتشر کرده است. با اجرای این سند سیاستی، دفتر دادستان کل به شکلی جامع‌تر به جرائم تحت صلاحیت خود که از طریق آسیب زیست‌محیطی ارتکاب می‌یابند یا به آن منجر می‌شوند، رسیدگی خواهد کرد. در این مقاله با نگاهی به پیش‌نویس سند سیاست دفتر دادستان کل، به تحلیل و بررسی پیوندهای حقوقی میان نابودی محیط زیست و نقش آن بر نقض حق بر سلامت و ارتکاب جنایت بین‌المللی می‌پردازیم.

۱. آسیب زیست‌محیطی به مثابه نقض حق بر سلامت:

صلاحیت دیوان محدود است. اساسنامه رم عمدتاً بر حفاظت از تمامیت زندگی و اموال انسان‌ها متمرکز است و تنها اشاره صریح محدودی به محیط زیست طبیعی دارد (۱۱). نابودسازی، تخریب یا تغییر محیط زیست طبیعی اغلب مستقیماً بر زندگی انسان تأثیر می‌گذارد، از جمله موجب آوارگی افراد، واردآوردن رنج شدید یا آسیب جسمی به قربانیان یا حتی مرگ می‌شود. اگر رابطه سببی کافی بین اقدامات عمدی مرتکب و عنصر عینی جرم اساسنامه رم وجود داشته باشد، این اعمال ممکن است در چهارچوب حقوقی اساسنامه، چه در زمان درگیری‌های مسلحانه و چه در دوران صلح، جرم محسوب شوند.

درگیری‌ها در سراسر جهان، از جمله در کشورهای تحت بررسی (Situation Countries) مانند دارفور و اوکراین، الگویی را آشکار می‌سازند که در آن مناقشات مرتبط با جرائم

اساسنامه رم، اغلب با رقابت بر سر منابع طبیعی مانند زمین و آب آمیخته می‌شوند و به طور معمول به آسیب‌های جدی زیست‌محیطی منجر می‌گردند. بنابراین تمرکز بر جرائم اساسنامه رم با ابعاد زیست‌محیطی نه‌تنها از محیط زیست محافظت می‌کند، بلکه ممکن است به رسیدگی به ریشه‌های خود مناقشه و عوامل تشدیدکننده آن نیز کمک نماید و از این طریق به پیشگیری از جرائم آنگونه که در مقدمه اساسنامه رم مقرر شده است، یاری رساند. جرائم زیست‌محیطی ممکن است افراد و جوامع را بر اساس ویژگی‌های دیگری مانند نژاد و جنسیت نیز تحت تأثیر قرار دهند. به عنوان مثال، کشورها، سازمان‌های غیر دولتی و پژوهشگران به گسترش فحشا در نزدیکی معادن استخراجی (که اغلب توسط گروه‌های مسلح کنترل یا تأمین مالی می‌شوند) اشاره کرده‌اند (۱۲). در مقابل، توانایی بسیاری از افراد آسیب‌پذیر یا حاشیه‌نشین برای اجتناب از مناطق آسیب‌دیده زیست‌محیطی، وابسته به دسترسی به منابع است. آن‌هایی که توانایی مالی ندارند تا دور از مناطق آسیب‌دیده زندگی کنند یا به سرعت از محل جرائم زیست‌محیطی فرار کنند، ممکن است مجبور به ماندن و تحمل آسیب‌های مضاعف شوند (۸)، لذا رنج جسمی و آسیب‌های بیشتری از لحاظ سلامتی می‌بینند.

۱-۱. محیط زیست طبیعی: «محیط زیست طبیعی» به بیوسفر (زیست‌کره)، کریوسفر (یخ‌کره)، لیتوسفر (سنگ‌کره)، هیدروسفر (آب‌کره) و اتمسفر (هواسپهر) زمین - از جمله فضای ماورای جو - اشاره دارد (۱۳). این تعریف مبتنی بر شناخت علمی از تعاملاتی است که محیط زیست را تشکیل می‌دهند. به طور کلی، اصطلاح «محیط زیست طبیعی» باید به گسترده‌ترین معنای ممکن درک شود، مطابق با تعریفی که کشورها در چهارچوب حقوق بشردوستانه بین‌المللی از آن ارائه داده‌اند، زیرا مفهوم محیط زیست ممکن است با افزایش دانش در طول زمان تکامل یابد و همچنین به این دلیل که خود محیط زیست همواره در حال تغییر است (۱۴).

۱-۲. آسیب زیست‌محیطی: «آسیب زیست‌محیطی» به هرگونه از دست‌رفتن یا تخریب محیط زیست طبیعی اشاره

اساس، انواع اقدامات زیر تحت پوشش سند سیاستی دادستان کل دیوان بین‌المللی کیفری قرار می‌گیرند:

۱- جرم مندرج در ماده ۸(ب)(۴) اساسنامه رم که به صراحت به آسیب زیست‌محیطی به عنوان بخشی از عناصر قانونی جرم اشاره می‌کند.

۲- جرائم اساسنامه رم که از طریق آسیب زیست‌محیطی ارتکاب می‌یابند، به گونه‌ای که این آسیب به عنوان واقعیت مادی مرتبط با اثبات عناصر جرم و/یا عمل مجرمانه در چهارچوب شیوه مسئولیت کیفری عمل می‌کند.

۳- جرائم اساسنامه رم که منجر به آسیب زیست‌محیطی می‌شوند، به گونه‌ای که این آسیب به عنوان اطلاعات زمینه‌ای مرتبط با ارزیابی شدت جرم یا تأثیر آن و همچنین انتخاب اولویت‌بندی پرونده‌ها (۱۹)، تعیین مجازات و جبران خسارات مورد توجه قرار می‌گیرد (۸).

۱-۴. **رویکرد تقاطعی (درهم‌تنیدگی):** دیوان باید در سیاست‌های خود در مورد جرائم زیست‌محیطی از رویکرد تقاطعی استفاده کند. رویکرد تقاطعی به این موضوع اذعان دارد که افراد و جوامع می‌توانند به دلیل چندین عامل هویتی درهم‌تنیده، موقعیت‌های نابرابر قدرت و آسیب‌پذیری متفاوتی در برابر آسیب داشته باشند. این عوامل شامل نژاد، قومیت، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، مذهب، سن، ویژگی‌های جنسیتی، جنسیت (شامل گرایش جنسی، هویت و بیان جنسیتی)، طبقه اجتماعی، وضعیت بومی بودن، وضعیت اقامت یا آوارگی و معلولیت می‌شود.

منظر تقاطعی این عوامل و رابطه آن‌ها با محرک‌های ساختاری خشونت و تخریب محیط زیست در یک بافت خاص را بررسی می‌کند، همچنین تأثیر متفاوت آسیب زیست‌محیطی را بر آسیب‌پذیری‌ها، فرصت‌ها و تعاملات افراد تحلیل می‌نماید.

به عنوان مثال، دیوان باید به این موضوع هوشیار باشد که چگونه پسماندهای زیست‌محیطی جنگ شیمیایی یا بیولوژیک ممکن است آسیب‌های خاص مرتبط با باروری را به زنان و دختران در سن باروری در یک جامعه هدف‌گیری شده سیاسی وارد کند (۸). با اشاره به مثال فوق‌الذکر می‌توان تبلور آن را

دارد. این از دست‌رفتن یا تخریب شامل تأثیر بر سلامت و رفاه ساکنان انسانی و غیر انسانی یک اکوسیستم خاص نیز می‌شود (۱۵).

توانایی بشر در ایجاد آسیب گسترده به محیط زیست، همگام با پیشرفت‌های فناوری، در «گستره» و «مقیاس» افزایش یافته است و به بهره‌مندی از حقوق بشری، از جمله حق برخورداری از محیط زیستی پاک، سالم و پایدار، هوای پاک، آب آشامیدنی سالم، غذای کافی، اقلیمی امن و پایدار، محیطی عاری از سموم و تنوع زیستی سالم آسیب می‌زند. آسیب زیست‌محیطی می‌تواند به نوبه خود محرکی برای خشونت، تنش‌های اجتماعی، فقر و جا به جایی اجباری باشد، هرچه این آسیب‌ها بزرگ‌تر باشند، خطر پیامدهای زنجیره‌ای آن برای افراد، جوامع، ملت‌ها و حتی خود دولت‌ها بیشتر می‌شود (۱۶). در خصوص «خسارت زیست‌محیطی» سه دیدگاه طرح شده است. مطابق دیدگاه اول خسارت زیست‌محیطی عبارت از خسارتی است که به اشخاص یا اشیای محیط پیرامون زندگی انسان وارد می‌شود. در این دیدگاه انسان قربانی خسارت زیست‌محیطی قرار داده شده است؛ مطابق دیدگاه دوم خسارت به اشیا و محیط زیست نیز خسارت زیست‌محیطی محسوب می‌شود و آلودگی آب و خاک و هوا نیز مشمول تعریف قرار می‌گیرد. در این دیدگاه قربانی مستقیم خسارت زیست‌محیطی، طبیعت و محیط پیرامونی انسان است، گرچه ممکن است به صورت غیر مستقیم انسان‌ها نیز دچار آسیب و خسارت شوند؛ در دیدگاه سوم خسارت‌های زیست‌محیطی شامل خسارات وارده به اموال و انسان‌ها و خسارت به خود محیط زیست است و قربانی خسارت هم انسان و هم محیط پیرامون و طبیعت می‌توانند باشند (۱۷).

۱-۳. **جرم زیست‌محیطی:** «جرائم زیست‌محیطی» به جرائم مندرج در ماده ۵ اساسنامه رم اطلاق می‌شود که از طریق آسیب زیست‌محیطی ارتکاب می‌یابند یا به آن منجر می‌شوند. جرم زیست‌محیطی تهدیدی جدی برای منابع طبیعی، معیشت، توسعه پایدار و امنیت است و می‌تواند به تخریب اکوسیستم‌ها و کاهش تنوع زیستی منجر شود (۱۸). بر این

و کودکان برای دریافت مراقبت‌های ویژه و حمایت اجتماعی یکسان را به رسمیت می‌شناسد.

به طور کلی، ارتکاب هر جرم تحت صلاحیت دیوان برای تأمین شرط «شدت جرم» به عنوان یکی از شرایط قابلیت پذیرش پرونده کافی است (۲۰). دیوان هنگام ارزیابی قابلیت پذیرش، آسیب زیست‌محیطی ناشی از جرم را نیز مد نظر قرار می‌دهد، اگرچه ارزیابی شدت جرائم زیست‌محیطی معمولاً بر آسیب‌های وارده به انسان‌ها از طریق تخریب محیط زیست متمرکز است، اما این ارزیابی ممکن است آسیب زیست‌محیطی را از منظر زیست‌محور (Ecocentric Perspective) نیز بررسی کند، مانند مواردی که جرم منجر به آسیب گسترده به یک اکوسیستم می‌شود که حتی برای اهداف معیشتی نیز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. دادستان دیوان همچنین باید عوامل خاص محیط زیستی زیر را در ارزیابی شدت جرم در نظر گیرد:

- مقیاس: تعداد قربانیان مستقیم و غیر مستقیم انسانی و غیر انسانی و/یا گستره جغرافیایی یا زمانی آسیب زیست‌محیطی.

- ماهیت: آیا جرائم زیست‌محیطی علیه قربانیان آسیب‌پذیر یا حاشیه‌نشین (مانند زنان، کودکان، سالمندان و مردم بومی) ارتکاب یافته یا آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

- تأثیر: میزان آسیب وارد شده به محیط زیست طبیعی صرف نظر از اثرات انسان‌محور؛ اثرات بین‌نسلی آسیب زیست‌محیطی بر زندگی انسان‌ها (۲۱)؛ آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، روانی، مذهبی یا اقتصادی خاصی که جرائم زیست‌محیطی بر جامعه متأثر وارد کرده است (۸).

از سیاق اساسنامه چنین برمی‌آید که عمل مجرمانه‌ای که تحت صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد، به طور کلی باید آنقدر شدید و جدی باشد که بتواند (نگرانی جامعه بین‌المللی در کل) را موجب شود. شدت عمل مزبور باید به حدی باشد که بتواند ارزش‌های بنیادین بشری یا منافع مشترک جامعه جهانی را هدف قرار بدهد و یا موجب جریحه‌دار شدن وجدان بشریت یا ورود رنج و صدمه غیر قابل جبران و شدید به گروه و جوامع گسترده شود که در نهایت، تهدیدی علیه صلح و

در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان دید، در مفاد ماده ۱۲ و ۱۴ دسترسی برابر زنان به خدمات بهداشتی، مراقبت‌های دوران بارداری و تنظیم خانواده ذکر شده است و در ماده ۱۴ نیز توجه به سلامت زنان روستایی، دسترسی به بهداشت، آموزش و مشارکت در توسعه مورد توجه قرار گرفته است. به این صورت حق بر سلامت و جرائم زیست‌محیطی قابلیت انطباق پیدا می‌کنند.

۲. محیط زیست و حق بر سلامت در پرتو جرائم

اساسنامه رم: پیگرد قانونی جرائم زیست‌محیطی، که از طریق آسیب زیست‌محیطی ارتکاب می‌یابند یا به آن منجر می‌شوند، در چهارچوب حقوقی مقرر، یعنی اساسنامه رم و با کمک عناصر جرائم (۱۱) و قواعد آیین دادرسی و ادله در تفسیر و اجرا صورت می‌گیرد.

ماده ۲۱(۳) اساسنامه رم بر تمامی جنبه‌های فعالیت‌های دیوان حاکم است. این ماده مقرر می‌کند که اجرا و تفسیر اساسنامه باید با حقوق بین‌الملل شناخته‌شده حقوق بشر سازگار باشد. حقوقی که به طور خاص به بررسی و پیگرد قانونی جرائم زیست‌محیطی مرتبط هستند، شامل این موارد می‌شوند:

- حق بر زندگی.

- حق بر سلامت جسمی و روانی.

- حق بر محیط زیست سالم.

- حق بر دسترسی به غذای کافی و آب آشامیدنی.

- حق بر مسکن.

- حق بر حریم خصوصی و زندگی خانوادگی.

- حق بر آزادی رفت و آمد.

- حق بر مشارکت در زندگی فرهنگی (۸).

در حقوق فوق‌الذکر به صورت برجسته حق بر سلامت مشاهده می‌شود، مثلاً در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، که یکی از اولین اسنادی است که به حق بر سلامت اشاره کرده است، حق برخورداری از سطح معیشتی کافی شامل خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری را برای همه انسان‌ها و همچنین حق مادران

غذایی و آب سالم و مسکن و بهداشت انسان‌ها می‌شود (و با وجود تمام شرایط مندرج در اساسنامه رم برای وقوع نسل کشی)، نسل‌کشی رخ داده و حق بر سلامت نیز به طریق اولی نقض شده است.

در ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ که یکی از مصادیق شناسایی حق بر سلامت است، حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن‌الوصول به رسمیت می‌شناسد. همچنین از کشورهای عضو خواسته است که تدابیری برای تحقق این حق بیاندیشند که شامل اقداماتی در راستای کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان، بهبود بهداشت محیط و صنعتی، پیشگیری و درمان بیماری‌های همه‌گیر و دسترسی عمومی به خدمات پزشکی است.

ماهیت جامع حق بر سلامت فراتر از درمان پزشکی است و شامل عوامل زیر می‌شود:

- زیرساخت‌های اساسی: آب سالم، غذای کافی، مسکن مناسب و محیط کار ایمن.

- حقوق مرتبط: منع شکنجه، آزمایش‌های پزشکی اجباری و عقیم‌سازی بدون رضایت؛ حق دسترسی به داروهای ضروری، بهداشت باروری و آموزش سلامت.

- حاکمیت عادلانه سلامت: ایجاد نظام سلامت مبتنی بر فرصت‌های برابر برای همه، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سلامت.

لذا تمامی خدمات بهداشتی باید بدون تبعیض مبتنی بر نژاد، جنسیت، سن، معلولیت یا موقعیت جغرافیایی ارائه شوند. این حق به ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر نظیر زنان، کودکان، افراد دارای معلولیت و جوامع روستایی حیاتی است (۲۶).

ماده ۶(د) و (ه) اساسنامه رم اشعار می‌دارد که تحمیل اقداماتی به قصد پیشگیری از زاد و ولد در میان یک گروه، انتقال اجباری کودکان آن گروه به گروهی دیگر به عنوان نسل‌کشی شناخته می‌شود که هر دو مورد، مصداق بارز نقض حق بر سلامت است. بر اساس ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک که یکی از نمونه‌های حق بر سلامت است اشعار می‌دارد که کشورها موظف‌اند:

امنیت بین‌المللی بوده و نگرانی جامعه بین‌المللی در کل محسوب شود (۲۲).

همانگونه که در ادامه توضیح داده خواهد شد، جرائم زیست‌محیطی ممکن است تحت مواد مختلف اساسنامه رم مورد پیگرد قانونی قرار گیرند (۲۳).

۱-۲. محیط زیست و حق بر سلامت در گفتمان نسل‌کشی: ماده ۶(ج) اساسنامه رم مقرر می‌دارد که «ایراد عمدی شرایط زندگی به یک گروه، با قصد نابودی کلی یا جزئی آن» در صورتی که با هدف نابودی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی همراه باشد، نسل‌کشی محسوب می‌شود (۱۱). این نوع نسل‌کشی می‌تواند از طریق آسیب‌های زیست‌محیطی، بهره‌برداری غیر قانونی از منابع طبیعی یا سلب مالکیت غیر قانونی از زمین تحقق یابد، مشروط بر اینکه این اقدامات، گروه مورد نظر را از دسترسی به منابع حیاتی بقا محروم سازد (۲۴).

در این وضعیت، نابودی زیست‌بوم به طور مستقیم با نقض حق بر سلامت پیوند می‌یابد و سلامت جسمی و روانی اعضای گروه مورد نظر را به خطر می‌اندازد.

از آنجا که محیط زیست سالم بستر اصلی حیات انسان و تحقق حق بر سلامت به شمار می‌آید، هرگونه اقدام عامدانه برای تخریب آن می‌تواند به عنوان ابزاری برای نابودی گروه‌های انسانی قلمداد گردد. به عبارت دیگر، در گفتمان نسل‌کشی، آسیب‌های زیست‌محیطی نه تنها تهدیدی علیه طبیعت، بلکه تهدیدی علیه بقا و کرامت انسانی نیز محسوب می‌شوند.

به عنوان مثال، در وضعیت دارفور، دفتر دادستان کل ادعا می‌کند که عمرالبشیر از طریق اقداماتی مانند:

- نابودی منابع غذایی، چاه‌ها و دستگاه‌های پمپاژ آب.

- تخریب پناهگاه‌ها، محصولات کشاورزی و دام‌ها (۲۵).

- و تصرف زمین‌های متعلق به گروه‌های هدف، مطابق ماده ۶(ج) مرتکب نسل‌کشی شده است (۲۵).

قاعدتاً نسل‌کشی نقض مستقیم حق بر سلامت افراد بشر است، لذا با اعمال جرائم زیست‌محیطی که منجر به نابودی منابع

- مرگ و میر کودکان را کاهش دهند.

- دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی اولیه، آب سالم و تغذیه مناسب را فراهم کنند.

- آموزش بهداشت و پیشگیری از بیماری‌ها را گسترش دهند.

- با روش‌های سنتی مضر برای سلامت کودکان مقابله کنند.

لذا با مطالعه دو ماده فوق‌الذکر، به ارتباط جرم نسل‌کشی با نقض حق بر سلامت پی می‌بریم.

۲-۲. محیط زیست و حق بر سلامت در گفتمان جنایات

علیه بشریت: هر اقدام متضمن آسیب زیست‌محیطی یا منجر به آن (در صورتی که مطابق ماده (۱)۷ اساسنامه رم ممنوع باشد) می‌تواند به عنوان جنایت علیه بشریت مورد شناسایی قرار گیرد، مشروط بر اینکه:

- «به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه هر جمعیت غیر نظامی» ارتکاب یافته باشد.

- و «مطابق یا در راستای سیاست یک دولت یا سازمان برای انجام چنین حمله‌ای» باشد (۸).

آسیب زیست‌محیطی، بهره‌برداری غیر قانونی از منابع طبیعی و سلب مالکیت غیر قانونی از زمین، هرگاه به اقداماتی از فهرست ماده (۱)۷، مانند قتل، آزار و اذیت یا سایر اعمال غیر انسانی منجر شوند، می‌توانند در وقوع حمله گسترده یا سیستماتیک نقش داشته باشند. جنایات علیه بشریت می‌توانند در زمان جنگ یا صلح مورد پیگرد قرار گیرند؛ ارتباطی با درگیری مسلحانه لازم نیست، لذا «آزار و اذیت یا سایر اعمال غیر انسانی با خصوصیتی مشابه که به قصد واردآوردن عمدی درد و رنج شدید یا آسیب‌رساندن جدی به بدن، یا سلامت جسمی یا روانی افراد صورت گیرد» در این ماده می‌تواند به عنوان نقض حق بر سلامت نیز باشد. با توجه به نقش محوری محیط زیست در زندگی اجتماعی، فرهنگی و مذهبی بسیاری از مردم، به ویژه مردم بومی، آسیب زیست‌محیطی، بهره‌برداری غیر قانونی از منابع طبیعی و سلب مالکیت غیر قانونی از زمین اغلب می‌تواند حتی اگر مصداق سایر جرائم ماده (۱)۷ نباشند، رنج شدید جسمی یا روانی ایجاد کنند (۲۷).

۳-۲. نمونه‌هایی از جرائم مشهود: با فرض تحقق شرایط زمینه‌ای (عناصر زمینه‌ای)، چندین جرم علیه بشریت در اساسنامه رم ممکن است از طریق آسیب زیست‌محیطی ارتکاب یابند یا به آن منجر شوند.

ماده (۱)۷(الف) اساسنامه رم، قتل را جرم‌انگاری می‌کند. این شامل ایجاد عمدی مرگ از طریق روش‌های غیر مستقیم مانند آسیب عمدی به محیط زیست نیز می‌شود. به عنوان مثال، یک فرد ممکن است با مسموم کردن چاهی که تنها منبع آب آشامیدنی یک جامعه محلی است - با قصد کشتن یا آگاهی از وقوع مرگ در جریان عادی رویدادها - مرتکب قتل شود (۸).

ماده (۱)۷(ب) اساسنامه رم، نابودی جمعی را جرم می‌داند. نابودی جمعی می‌تواند از طریق روش‌های مختلف کشتن، مستقیم یا غیر مستقیم، محقق شود (۱۱) و شامل «تحمیل عمدی شرایط زندگی، از جمله محرومیت از دسترسی به غذا و دارو، با قصد نابودی بخشی از یک جمعیت» است (۱۱) که این مثال مصداق بارز نقض حق بر سلامت است؛

در وضعیت دارفور، دفتر دادستان کل، عمرالبشیر را علاوه بر نسل‌کشی، به اتهام نابودی جمعی نیز، بر اساس اقدامات مخرب زیست‌محیطی پیش‌گفته، تحت تعقیب قرار داده است (۲۸).

ماده (۱)۷(د) اساسنامه رم، تبعید یا انتقال اجباری جمعیت را جرم می‌داند (۱۱). این جرم به عنوان «جا به جایی اجباری افراد از طریق اخراج یا اقدامات قهری دیگر از منطقه‌ای که به طور قانونی در آن حضور دارند، بدون مجوز مقرر در حقوق بین‌الملل» تعریف شده است (۲۹). در برخی موارد، مرتکب ممکن است با اجبار غیر قانونی غیر نظامیان را وادار به ترک خانه‌هایشان کند تا به زمین، آب، یا منابع طبیعی مشابه دسترسی یابد. در موارد دیگر، مرتکب ممکن است با تخریب یا آلودگی محیط زیست، غیر نظامیان را به طور غیر قانونی مجبور به ترک خانه‌هایشان نماید (۸). چنین اقداماتی در صورتی مصداق جرم تبعید یا انتقال اجباری جمعیت محسوب می‌شوند که مرتکب قصد وادارکردن غیر نظامیان به ترک

خانه‌ها را داشته باشد یا آگاه باشد که اقداماتش در جریان عادی رویدادها، آن‌ها را مجبور به ترک خواهد کرد (۳۰). با توجه به اینکه از عناصر حق بر سلامت داشتن آب سالم، غذای کافی، مسکن مناسب و محیط کار ایمن برای افراد بشر است، لذا با جا به جایی اجباری افراد این حق مسلم آن‌ها نقض می‌شود.

ماده ۷(۱)(ح) اساسنامه رم، «آزار و اذیت (Persecution) هر گروه یا جمعیت مشخصی بر اساس عوامل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی (مطابق تعریف بند ۳) یا سایر مبانی به طور جهانی غیر مجاز تحت حقوق بین‌الملل را، در ارتباط با هر اقدام مذکور در این بند یا هر جرم تحت صلاحیت دیوان، جرم می‌داند» (۳۱). عمل آزار و اذیت به عنوان «محرومیت عمدی و شدید از حقوق بنیادین، مغایر با حقوق بین‌الملل، به دلیل هویت گروه یا جمعیت» تعریف شده است (۱۱). برخلاف سایر جرائم علیه بشریت، آزار و اذیت نیازمند اثبات قصد تبعیض‌آمیز است: مرتکب باید گروه یا جمعیت را «به دلیل هویتشان» از یک حق بنیادین محروم کرده باشد. «قصد تبعیض زمانی محقق می‌شود که مرتکب عمداً قصد داشته باشد با یک گروه هدف [...] یا اعضای آن به صورت ناعادلانه رفتار کند» (۳۱). بنابراین ریختن مواد شیمیایی سمی به رودخانه‌ای که یک مردم بومی خاص برای تأمین غذا و آب به آن وابسته است، به خودی خود مصداق جرم آزار و اذیت نیست. با این حال، اگر مرتکب عمداً آن رودخانه خاص را با قصد هدف‌گیری آن مردم بومی آلوده کند، این آلودگی می‌تواند مصداق آزار و اذیت باشد.

یک گروه یا جمعیت ممکن است از طریق آسیب زیست‌محیطی، بهره‌برداری غیر قانونی از منابع طبیعی، یا سلب مالکیت غیر قانونی از زمین، از حقوق بنیادین مختلفی محروم شود، از جمله:

- حق بر زندگی.

- حق بر محیط زیست سالم.

- حق بر سلامت جسمی و روانی.

- حق بر دسترسی به غذای کافی و آب آشامیدنی.

- حق بر مسکن.

- حق بر حریم خصوصی و زندگی خانوادگی.

- حق بر آزادی رفت و آمد.

- حق بر مشارکت در زندگی فرهنگی.

اتخاذ رویکرد تقاطعی در بررسی آزار و اذیت در حوزه محیط زیست اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا یک اقدام آزارگرانه متضمن یا منجر به آسیب زیست‌محیطی ممکن است بر اساس چندین یا ترکیبی از مبانی (۳۱)، از جمله جنسیت، سیاست، نژاد، قومیت، فرهنگ، مذهب یا سایر مبانی به طور جهانی غیر مجاز تحت حقوق بین‌الملل ارتکاب یابد (۸).

۲-۴. محیط زیست و حق بر سلامت در گفتمان جرائم

جنگی و تجاوز: هر اقدام متضمن آسیب زیست‌محیطی یا منجر به آن، در صورتی که مطابق ماده ۸(۲) اساسنامه رم ممنوع باشد، می‌تواند به عنوان جرم جنگی مورد اتهام قرار گیرد، مشروط بر اینکه در چهارچوب یک درگیری مسلحانه (بین‌المللی یا غیر بین‌المللی) و مرتبط با آن رخ داده باشد (۱۱). نیازی نیست که مرتکب قصد داشته باشد با اقدام مذکور به پیشبرد درگیری مسلحانه کمک کند؛ کافی است که درگیری نقش اساسی در توانایی مرتکب برای ارتکاب جرم، تصمیم به ارتکاب آن، هدف از ارتکاب یا شیوه اجرای جرم را ایفا کرده باشد (۳۰).

عدم نیاز به اثبات قصد خاص در حوزه محیط زیست اهمیت دارد، زیرا ممکن است مسئولان شرکت‌ها از وجود یک درگیری مسلحانه سوءاستفاده کرده و مرتکب آسیب زیست‌محیطی، بهره‌برداری غیر قانونی از منابع طبیعی یا سلب مالکیت غیر قانونی از زمین شوند، بدون اینکه قصد کمک به پیشبرد درگیری را داشته باشند (۸).

رخداد وقایع مختلف قهری به ویژه اتفاقات نظامی، ضرورت شفاف سازی و تعریف ضمانت‌های اجرایی پایدار و قابل اقدام را مشخص ساخته و توسعه حقوق بین‌الملل به ویژه، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل محیط زیست را می‌طلبد (۳۲).

۲-۵. نمونه‌هایی از جرائم مشهود: تنها قسمتی در

اساسنامه رم که به صراحت از محیط زیست در برابر اثرات

مسلح برای اهداف غیر نظامی می‌شود، مشروط بر اینکه وابستگی آن گروه به طرف مقابل وجود داشته باشد (۸).

ماده ۸(ب)(۲) (۲۵) اساسنامه رم در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، «استفاده عمدی از گرسنگی کشیدن غیر نظامیان به عنوان روش جنگ از طریق محروم کردن آن‌ها از اشیای ضروری برای بقا، از جمله ممانعت عمدی از ارسال کمک‌های بشردوستانه مطابق کنوانسیون‌های ژنو» را جرم می‌داند. ماده ۸(هـ)(۲) (۱۹) نیز همین اقدامات را در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، بر اساس اصلاحیه مصوب ۲۰۱۹، جرم‌انگاری می‌کند.

اشیای ضروری برای بقا شامل این موارد است:

- مواد غذایی.

- مناطق کشاورزی تولیدکننده مواد غذایی.

- محصولات کشاورزی.

- دام‌ها.

- تأسیسات و منابع آب آشامیدنی.

- سازه‌های آبیاری (۳۴).

بنابراین آسیب زیست‌محیطی، بهره‌برداری غیر قانونی از منابع طبیعی یا سلب مالکیت غیر قانونی از زمین با قصد گرسنگی دادن به غیر نظامیان، در صورتی که این اقدامات موجب محرومیت غیر نظامیان از اشیای ضروری بقا شود، می‌تواند مصداق جرم جنگی گرسنگی دادن باشد. نکته مهم این است که نیازی به وقوع واقعی گرسنگی نیست؛ صرف وجود قصد گرسنگی دادن برای مسئولیت کیفری کافی است (۸). تمام موارد فوق‌الذکر نقض آشکار حق بر سلامت محسوب می‌شود.

مواد ۸(ب)(۲) (۹) و ۸(هـ)(۴) اساسنامه رم به ترتیب در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی، «هدف قراردادن عمدی ساختمان‌های اختصاص یافته به امور مذهبی، آموزشی، هنری، علمی یا خیریه، بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها و مکان‌های جمع‌آوری بیماران و مجروحان» را جرم می‌دانند، مشروط بر اینکه این مکان‌ها هدف نظامی نباشند (۸)، لذا ماده فوق‌الذکر، بهداشت عمومی و مراقبت‌های پزشکی را که از عناصر اصلی حق بر سلامت هستند، مورد توجه قرار داده

درگیری‌های مسلحانه محافظت می‌کند، ماده ۸(ب)(۲) (۴) است که «آغاز عمدی یک حمله با علم به اینکه چنین حمله‌ای موجب [...] آسیب گسترده، بلندمدت و شدید به محیط زیست طبیعی خواهد شد، آسیبی که به وضوح نامتناسب با مزیت نظامی کلی مشخص و مستقیم مورد انتظار است» را جرم می‌داند.

طبق شق چهارم بند «ب» ماده ۸(۲) اساسنامه، حمله عمدی با آگاهی از اینکه چنین حمله‌ای سبب خسارت جدی و گسترده و طولانی‌مدت به محیط زیست می‌شود، جنایت جنگی قلمداد می‌گردد. همچنین طبق شق دوم بند «ب» ماده ۸(۲) اساسنامه، حملات عمدی علیه اشیای غیر نظامی که طبیعتاً محیط زیست دارای چنین ویژگی است، جنایت جنگی قلمداد می‌شود، اما این مقررات تنها در وضعیت مخاصمات مسلحانه و صرفاً نسبت به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی قابلیت اعمال دارند (۳۳).

چندین جرم جنگی دیگر در اساسنامه رم ممکن است از طریق آسیب زیست‌محیطی ارتکاب یابند یا به آن منجر شوند. به عنوان مثال، اقداماتی مانند قتل عمد (۱۱)، ایجاد عمدی آسیب شدید جسمی یا روانی یا تبعید یا انتقال غیر قانونی (۱۱)، نه تنها می‌توانند جنایت علیه بشریت محسوب شوند، بلکه در صورت ارتکاب در درگیری مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی، جرم جنگی نیز هستند و همگی از مصادیق نقض حق بر سلامت محسوب می‌شوند. بنابراین مطالب زیر نمونه‌های دیگری از جرائم جنگی را که ممکن است شامل آسیب زیست‌محیطی تأثیرگذار بر حق بر سلامت باشند، تشریح می‌کنند.

مصادیق تخریب ممنوع شامل مواردی می‌شود که نیروهای مسلح یک کشور عمداً سد یا نیروگاه هسته‌ای کشور دیگر را که برای مقاصد غیر نظامی استفاده می‌شود، با قصد واردآوردن آسیب قابل توجه به محیط زیست اطراف یا آگاهی از وقوع چنین آسیبی در جریان عادی رویدادها تخریب کنند.

مصادیق مصادره ممنوع نیز شامل تصرف زمین، آب، غذا یا هر منبع طبیعی دیگر متعلق به یک گروه بومی، توسط نیروهای

صریح‌تر اثبات انتساب نمود و به توسعه پایدار بیشتر کمک کرد (۳۶).

نابودی گسترده محیط زیست نه تنها یک مسأله اخلاقی یا سیاسی، بلکه یک موضوع حقوقی پیچیده است که با نقض حقوق بشر ارتباط مستقیم دارد. تخریب منابع طبیعی باعث بروز بحران‌های انسانی مانند کمبود آب آشامیدنی، افزایش بیماری‌ها ناشی از آلودگی هوا و خاک، مهاجرت اجباری مردم مناطق آسیب‌دیده و کاهش کیفیت زندگی می‌شود که همه این موارد نقض آشکار حق بر سلامت هستند. وقتی چنین اقدامات عمدی یا بی‌توجهی توسط دولت‌ها یا گروه‌های مسلح صورت گیرد، می‌تواند مصداق نسل‌کشی، جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت باشد.

روش

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، نظری بوده و با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است. داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای و با جستجو در منابع مکتوب (کتب، مقالات و اسناد) فراهم آمده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

با توجه به پیوند وثیق میان حق بر سلامت و شرایط زیست‌محیطی، هرگونه تخریب محیط طبیعی می‌تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر تحقق این حق تأثیر بگذارد. نابودی گسترده و طولانی‌مدت اکوسیستم‌ها پیامدهای فاجعه‌باری برای سلامت انسان‌ها دارد. از آلودگی منابع آب تا جنگل‌زدایی، این اقدامات مستقیماً بر دسترسی به غذای سالم، آب پاک و هوای قابل تنفس تأثیر می‌گذارند.

است. کنوانسیون رفع تبعیض نژادی به عنوان یکی از اسنادی که حق بر سلامت را به رسمیت شناخته است، در ماده ۵ اشعار می‌دارد که دولت‌ها موظفند تبعیض نژادی را ریشه‌کن کنند و حق دسترسی عادلانه به بهداشت عمومی، مراقبت‌های پزشکی، بیمه اجتماعی و خدمات اجتماعی را تضمین نمایند. در خصوص جرم تجاوز باید گفت که تقریباً تمامی اقدامات تجاوز ذکر شده در ماده ۸ مکرر (۲) می‌توانند مستقیماً علیه محیط زیست هدف‌گیری شوند یا به آن آسیب برسانند. جرم تجاوز تهدیدی منحصر به فرد برای محیط زیست طبیعی محسوب می‌شود، نه تنها به این دلیل که نیروی نظامی درگیر در عمل تجاوزکارانه معمولاً موجب آسیب زیست‌محیطی می‌شود، بلکه به این علت که اقدامات تجاوزگرانه اغلب محرک درگیری‌های مسلحانه‌ای هستند که آسیب بیشتری به محیط زیست وارد می‌کنند. به عنوان مثال، بمباران قلمرو یک کشور اغلب موجب مرگ حیوانات، نابودی و آلودگی مزارع، جنگل‌ها و منابع آبی می‌شود. به طور مشابه، حمله نظامی به یک کشور ممکن است به بهره‌برداری غیر قانونی از منابع طبیعی یا سلب مالکیت غیر قانونی از زمین، از جمله الحاق رسمی آن، منجر شود (۸) که تمامی اقدامات مذکور سبب خدشه‌دار شدن حق بر سلامت انسان‌ها نیز می‌شود.

تلاش‌های جامعه بین‌المللی جهت جرم‌انگاری اکوساید تا به امروز به غایت مطلوب خویش نرسیده و در هر بار دست نامرئی حاکمیت و منافع شرکتی سبب شده است تا اندیشه جرم‌انگاری اکوساید نتواند به سر منزل مقصود رسد. این در حالی است که از حدود دهه ۱۹۷۰ این نکته مسلم شده است که جنایت اکوساید تهدیدی علیه صلح، امنیت و رفاه جهانی است. وانگهی جنایات علیه محیط زیست، به ویژه جنایت اکوساید، در تعارض آشکار با حقوق بنیادین بشر است (۳۵).

بسیاری از قوانین مرتبط با مقوله محیط زیست، چه در بعد ملی و چه در بعد بین‌المللی که حالت توصیه‌ای و سفارشی دارند، باید حالت الزام‌آور و اجبار داشته باشند تا در وهله نخست کشورها را هم در فعل و هم در ترک فعل مقید سازند که نقض‌های بین‌المللی مرتکب نشوند و در وهله بعدی انتساب مسئولیت بین‌المللی در فعل و یا ترک آن را بتوان

بحث

تخریب گسترده محیط زیست (اکوساید) نه تنها امنیت اکولوژیکی جهان را تهدید می‌کند، بلکه نقض سیستماتیک حق بر سلامت جوامع انسانی را در پی دارد.

در این مقاله به تحلیل و بررسی پیوندهای حقوقی میان نابودی محیط زیست و نقش آن بر نقض حق بر سلامت و ارتکاب جنایت بین‌المللی پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با بررسی پیوندهای حقوقی میان تخریب محیط زیست، نقض حق بر سلامت و جنایات بین‌المللی، نقش دیوان بین‌المللی کیفری را در تحقق حق بر سلامت از طریق تعقیب جرم اکوساید تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اکوساید به عنوان نابودی عمدی و گسترده اکوسیستم‌ها، نه تنها تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است، بلکه نقض سیستماتیک حق بر سلامت جوامع انسانی محسوب می‌شود.

در پاسخ به پرسش اصلی این مقاله مبنی بر اینکه «چگونه دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند با بهره‌گیری از صلاحیت موجود یا از طریق جرم‌انگاری مستقل اکوساید، به ابزاری مؤثر برای حمایت از حق بر سلامت تبدیل شود؟»، باید گفت که ظرفیت حقوقی دیوان در چهارچوب فعلی اساسنامه رم، با وجود برخی محدودیت‌ها، امکان تفسیر و گسترش مفاهیم موجود را برای تعقیب مواردی از اکوساید فراهم می‌کند.

دیوان بین‌المللی کیفری با تکیه بر صلاحیت فعلی خود در اساسنامه رم، می‌تواند با تفسیر خلاقانه، مفاهیمی مانند «شرایط غیر انسانی» در جنایات علیه بشریت یا «نابودی جمعی» در نسل‌کشی، موارد اکوساید را در چهارچوب جرائم موجود تعقیب کند. برای نمونه، اقداماتی مانند آلودگی عمدی منابع آب یا تخریب زمین‌های کشاورزی که منجر به محرومیت جوامع از نیازهای اساسی حیات می‌شود، می‌تواند تحت عنوان جنایت علیه بشریت یا نسل‌کشی مورد رسیدگی قرار گیرد. پرونده‌هایی مانند دارفور و اوکراین نشان می‌دهند

که پیوند میان تخریب محیط زیست و نقض حقوق بشر، به ویژه حق بر سلامت، در رویه قضایی بین‌المللی در حال شکل‌گیری است. همچنین اتخاذ رویکرد تقاطعی در بررسی جرائم، با توجه به تأثیر نامتناسب تخریب محیط زیست بر گروه‌های آسیب‌پذیر، مانند زنان، کودکان و جوامع بومی، ضروری است. با این حال، محدودیت‌های اساسنامه رم، از جمله عدم تصریح به اکوساید به عنوان جرم مستقل، چالش‌های عملی را ایجاد می‌کند. جرم‌انگاری مستقیم اکوساید در زمره جرائم تحت صلاحیت دیوان، نه تنها دایره شمول قضایی را گسترش می‌دهد، بلکه امکان پاسخگویی به پیامدهای بلندمدت زیست‌محیطی را فراهم می‌سازد. این امر نیازمند اجماع جهانی و اراده سیاسی برای عبور از منافع کوتاه‌مدت اقتصادی به سوی تضمین عدالت زیست‌محیطی است. برای رفع چالش‌های فوق‌الذکر چند پیشنهاد ارائه می‌شود:

۱- پیشنهاد می‌شود دیوان بین‌المللی کیفری با تفسیر نوآورانه از مفاهیم فعلی، در موارد اضطراری زیست‌محیطی وارد عمل شود تا پیش از اصلاح ساختاری، از ظرفیت‌های موجود بهره‌گیری؛

۲- کشورها باید از طریق مذاکرات بین‌الدولی، مقدمات لازم برای افزودن اکوساید به فهرست جرائم مشمول صلاحیت دیوان را فراهم کنند؛

۳- جامعه بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری باید در راستای شناسایی تأثیرات زیست‌محیطی بر گروه‌های آسیب‌پذیر، از رویکردی تقاطعی در پیگیری جرائم حمایت کنند؛

۴- در سطح ملی نیز توصیه می‌شود دولت‌ها اکوساید را به عنوان جرم قابل تعقیب شناسایی و قوانین کیفری خود را مطابق با موازین بین‌المللی اصلاح کنند.

در نهایت، تحقق حق بر سلامت در گرو حفاظت از محیط زیست است. دیوان بین‌المللی کیفری، با نگاهی آینده‌نگر، می‌تواند با توسعه صلاحیت‌ها و تفسیر پیشروانه، نقشی محوری در مقابله با اکوساید و تضمین عدالت زیست‌محیطی ایفا کند.

مشارکت نویسندگان

عسکر جلالیان: ارائه ایده و نظارت بر مقاله.
زهره باقری خرم‌دشتی: نگارش مقاله و گردآوری منابع.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش پژوهش، از هوش مصنوعی DeepSeek بهره برده شده است.

References

1. African Charter on Human and Peoples' Rights 1981. Art.24.
2. Arab Charter on Human Rights. 2004. Art.38.
3. San Salvador Protocol to the American Convention on Human Rights. 1988. Art.10.
4. ASEAN Human Rights Declaration. 2012. Art.28(f).
5. Report of the Special Rapporteur. Right to a Healthy Environment: Good Practices. Geneva: United Nations Human Rights Council; 2019. Annex II.
6. Rouzbeh M, Ghahremani Afshar N, Akbari A, Alavi M. Ecocide in the Light of Criminal Law with the Formation of Criminal Behaviors in Environmental Degradation. *Legal Research Journal*. 2023; 22(56): 493-532. [Persian]
7. Intergovernmental Panel on Climate Change, Climate Change 2023 Synthesis Report, Summary for Policymakers ("IPCC Summary Report 2023"). 2023. para.A.2.6.
8. Office of the Prosecutor. Draft Policy on Environmental Crimes under the Rome Statute. The Hague: International Criminal Court; 2024. paras 9, 24, 56, 26, 27, 29, 32, 34, 37, 38, 41, 45, 49, 50, 51, 53.
9. Jalalyan A. Feasibility of Expanding the Concept of International Crimes to Environmental Crimes with Emphasis on the Principle of Sustainable Development. *Environmental Education and Sustainable Development Quarterly*. 2020; 9(2): 133-146. [Persian]
10. Office of the Prosecutor. Policy Paper on Complementarity and Cooperation. The Hague: International Criminal Court; 2020.
11. Rome Statute of the International Criminal Court. Art 8(2)(b)(iv); (Elements) Art 9; Art 6; Art 7(1)(b); Element.1n.8; Art 7(2)(b); Art 7(2)(d); Art (2)(g); Art 8, Chapeau; Art 8(2)(a)(i) and 8(2)(c)(i); Art 8(2)(a)(vii) and Art 8(2)(e)(viii). 1998.
12. Kelly J. This Mine Has Become Our Farmland: Critical Perspectives on the Coevolution of Artisanal Mining and Conflict in the Democratic Republic of the Congo. *Resources Policy*. 2014; 40: 100-108.
13. Independent Expert Panel for the Legal Definition of Ecocide, Definition, Commentary and Core Text. 2021. p.11.
14. ICRC Guidelines on the Protection of the Natural Environment in Armed Conflict. 2020. p.16.
15. Gillett M. Prosecuting Environmental Harm before the International Criminal Court. Cambridge: Cambridge University Press; 2022. p.11-12.
16. UN High Commissioner for Human Rights Volker Türk, AT: Side event at the Assembly of States Parties to the International Criminal Court a Fifth Crime of Ecocide: Opening Considerations - The Hague, Netherlands; 2024.
17. Houshmand Firouzabadi H. Civil Liability Arising from Environmental Damages. *Research and Development in Comparative Law Quarterly*. 2019; 2(3): 397-424. [Persian]
18. Nellemann C, Henriksen R, Kreilhuber A, Stewart D, Kotsova M, Raxter P, et al. The Rise of Environmental Crime: A Growing Threat to Natural Resources, Peace, Development and Security. Nairobi: UNEP and INTERPOL; 2016.
19. International Criminal Court Office of the Prosecutor. Policy Paper on Case Selection and Prioritisation. The Hague: International Criminal Court; 2016. para.41.
20. Prosecutor v. Al-Hassan. ICC-01/12-01/18-601-Red. International Criminal Court; 2019.
21. Verein Klimaseniorinnen Schweiz and Others v. Switzerland. App No.53600/20. European Court of Human Rights; 2024. para.410.
22. Nezandi Manesh H, Hosseini Azad S, Zahmatkesh M. A Reflection on the Feasibility of Exercising the International Criminal Court's Jurisdiction over Environmental Crimes. *Criminal Law Research Journal*. 2020; 11(2): 243-270. [Persian]
23. Brady H. Environmental and Cultural Heritage Crimes: The Possibilities under the Rome Statute. Edited by Bose M, et al. In: Justice without Borders: Essays in Honour of Wolfgang Schomburg. Leiden: Brill; 2018. p.125-135.
24. Prosecutor v. Tolimir. Appeal Judgment. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia; 2015. paras.234, 228.
25. Prosecutor v. Al-Bashir. ICC-02/05-157-AnxA. International Criminal Court; 2009. paras.174, 179.
26. FactSheet No.31: The Right to Health. Geneva: OHCHR and World Health Organization; 2008.
27. Cunsolo A, Ellis NR. Ecological Grief as a Mental Health Response to Climate Change-Related Loss. *Nature Climate Change*. 2018; 8: 275.
28. Situation in Darfur. ICC-02/05-157. International Criminal Court; 2009. para.180.

29. Case of the Afro-Descendant Communities Displaced from the Cacarica River Basin (Operation Genesis) v. Colombia. Inter-American Court of Human Rights; 2013. para.354.
30. Prosecutor v. Ntaganda. ICC-01/04-02/06-2359. International Criminal Court; 2019. paras.731, 1046.
31. International Criminal Court Office of the Prosecutor. Policy on the Crime of Gender Persecution. The Hague: International Criminal Court; 2022. Paras.49, 55.
32. Jalalyan A. International Environmental Law. Tehran: Dadgostar Publications; 2016. p.10. [Persian]
33. Bazaar V. Ecocide and the International Criminal Court. Iranian Association for United Nations Studies. 2021. Available from: <https://unstudied.ir/iauns-forum/>.
34. Additional Protocol II to the Geneva Conventions. 1977. Art.14.
35. Gholipour G, Mehra N. The Crime of Ecocide: Past, Present and Future. Criminal Law Research Quarterly. 2020; 8(30): 43-81. [Persian]
36. Jalalyan A. The Inadequacy of International Law and International Environmental Law in Protecting the International Environment. Rahbord Quarterly. 2015; 24(75): 23-52. [Persian]